

جرایی افزایش طلاق در جامعه ایران

با استناد به آمارهای رسمی، به طور میانگین در هر یک ساعت 18 تا 19 طلاق رسمی در کشور ثبت می‌شود.



با استناد به آمارهای رسمی، به طور میانگین در هر یک ساعت 18 تا 19 طلاق رسمی در کشور ثبت می‌شود. باید گفت حاصل قرار گرفتن همین چند کلمه و عدد ساده در کنار یکدیگر، یکی از تلخ‌ترین حقایق جامعه کنونی کشورمان است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از شفقنا زندگی، شنیدن خبر 19 طلاق در هر ساعت، از آن دسته خبرهایی است که وقتی می‌شنوی تلخی آن را زیر زبانت و سنگینی آن را روی قلبت حس می‌کنی، از همان خبرهایی که می‌ترسی نکند تو هم دچارش شوی و نتیجه زندگی مشترکی که با عشق شروع کرده‌ای یا می‌خواهی شروع کنی تبدیل به یکی از تلخ‌ترین آمار و ارقام رسمی کشور شود!

ثبت 19 طلاق در هر ساعت در جامعه اسلامی که از یک طرف پیامبر بزرگوارش فرموده ((ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل واعز من التزویج؛ در اسلام بنایی ساخته نشد که نزد خدای عزوجل محبوبتر و ارجمندتر از ازدواج باشد)) و ((ما من شیء ابغض الی الله عزوجل من بیت یخرب فی الاسلام بالفرقة؛ هیچ چیز نزد خدای عزوجل مبغوض تر از خانه ای که در اسلام با جدایی ویران شود نیست)) و از طرف دیگر پایبندی به خانواده و تحکیم بنیان خانواده همواره یکی از لزوماتش و یکی از افتخارات آن در مقابل جوامع غرب بوده است، ذهن را وارد یک دالان تو در توی چراها می‌کند که چرا باید راهروی دادگاه‌های خانواده از راهروهای محضرخانه ها و حتی بخش زنان و زایمان بیمارستان‌ها پر ازدحام‌تر باشد.

همچنین سید حسن موسوی چلک، رییس انجمن مددکاری اجتماعی ایران به آمارهای رسمی منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور اشاره کرده و گفته بود به طور میانگین در هر یک ساعت 18 تا 19 طلاق رسمی در کشور ثبت می‌شود که روند این امر در سالهای اخیر همواره صعودی بوده است. درخصوص طلاق های عاطفی، روانی و... هیچ آمار رسمی در کشور وجود ندارد و تمامی آمارهای منتشر شده در این باره از طریق تحلیل‌های مراکز مشاوره و مداخله بوده که نمی‌توانند چندان مستند باشند. درحال حاضر همانطور که میانگین سن ازدواج در میان جوانان بین 20 تا 29 سالگی است و به دلیل کاهش مدت زمان زندگی مشترک، بیشترین طلاق‌ها نیز در همین سن رخ می‌دهد. (ایسنا، 21 اردیبهشت ماه)

با توجه به اینکه کم‌تر کسی تمایل دارد زندگی حال و آینده‌اش با یک تصمیم غلط تحت تاثیر قرار بگیرد، شنیدن این اخبار تلخ در همین یک الی دو ماه اخیر باعث شد به سراغ جامعه شناسان رفته و نظر آن‌ها در مورد این آسیب اجتماعی جویا شویم.

سعید معدنی، جامعه شناس اجتماعی عقیده دارد هرچه جوامع بیشتر به سمت مدرنیته پیش روند، طلاق در آن‌ها بیشتر رخ می‌دهد. به عقیده وی، علاوه بر مدرن شدن جوامع عوامل مختلفی مانند مسائل اقتصادی، تفاوت‌های فرهنگی، از بین رفتن قبح طلاق و.. باعث افزایش پدیده طلاق در جامعه ایران شده‌اند.

این جامعه شناس در ابتدا بر تاثیر مدرن شدن جوامع بر بروز پدیده طلاق تاکید می‌کند و به خبرنگار شفقنا زندگی می‌گوید: مساله‌ای که در بعد کلان وجود دارد و در سطح جهان مطرح می‌شود این است که هرچه شهرنشینی رشد پیدا کند میزان طلاق افزایش می‌یابد. اگر هم گفته می‌شود میزان طلاق در جوامع غربی، با اینکه جوامع مدرنی هستند کم تر است، باید گفت دلیل این امر این است که روابط در کشورهای غربی بیشتر بر مبنای دوستی است و زوج در قالب دوستی در کنار هم زندگی می‌کنند و صاحب فرزند می‌شوند و ازدواج کم‌تر رخ می‌دهد و از آنجائی که میزان ازدواج رسمی کم است، بنابراین میزان طلاق هم کم‌تر است.

سنت از عواملی است که از طلاق جلوگیری می‌کند

معدنی سنت را یکی از عواملی می‌داند که از طلاق جلوگیری می‌کند و توضیح می‌دهد: نمی‌توان گفت دلیل اینکه در گذشته و در بسیاری از شهرها و روستاهای کوچک، طلاق صورت نمی‌گرفت فقط این بود که زوجین با یکدیگر تفاهم داشته‌اند، بلکه در مواردی زوجین با یکدیگر تفاهم نداشتند اما شاخص‌های جامعه سنتی، نگاه جامعه و ترس از قضاوت اطرافیان مانع طلاق گرفتن زوج می‌شد. در جوامع سنتی انتخاب همسر هم به صورت سنتی است و خانواده‌ها و فرهنگ جامعه در این مورد تصمیم می‌گیرد اما از زمانی که فرهنگ جامعه شهرنشینی پیشرفت می‌کند، نقش سنت در این مورد کاهش می‌یابد.

وی در ادامه بحث به پدیده طلاق عاطفی اشاره می‌کند و می‌گوید: در این میان پدیده‌ای به نام "طلاق عاطفی" وجود دارد. منظور از طلاق عاطفی این است که زوج در ظاهر در کنار یکدیگر و با مفهوم زن و شوهر زندگی می‌کنند اما در باطن با یکدیگر نیستند و بین آن‌ها هیچ‌گونه رابطه عاطفی و جنسی وجود ندارد. طلاق عاطفی زمانی رخ می‌دهد که زوج با یکدیگر سازگار نیستند و نمی‌توانند یکدیگر را از نظر اجتماعی و روابط شخصی ارضا کنند اما بنا بر دلایلی مجبور به زندگی در کنار یکدیگر می‌شوند که مهم‌ترین این دلایل در جامعه ایران سنت، مهریه، فشارهای اجتماعی، ترس از قضاوت دیگران، فرزند و... است. البته طلاق عاطفی شدت و ضعف دارد و ممکن است زوجی صد در صد با یکدیگر مشکل داشته باشند اما زوج دیگری 70 درصد مشکل داشته باشند.

تبعات طلاق

این جامعه شناس خیانت زوجین را یکی از تبعات طلاق عاطفی می‌داند و توضیح می‌دهد: خیانت در اکثر مواقع هنگامی رخ می‌دهد که طلاق عاطفی وجود داشته باشد و در نهایت همین خیانت ممکن است باعث بروز طلاق عینی شود. برای مثال هنگامی که مردها به صورت پنهان یا آشکار و در قالب ازدواج موقت یا هر رابطه دیگری با زن های دیگر ارتباط برقرار می‌کنند، برای زن ها این مساله که چرا مردها مانند آنها به زندگی مشترکشان وفادار نیستند سوال شده است، البته زنان جامعه کنونی ما از این عنصر استفاده نمی‌کنند و به ندرت رخ می‌دهد که بخواهند از این طریق تلافی کنند، اما همواره این سوال را در ذهن دارند خود دارند و ممکن است در نهایت اقدام به درخواست جدایی کنند.

دلایل وقوع پدیده طلاق در جامعه

این جامعه شناس در مورد دلایل وقوع پدیده طلاق در جامعه اظهار می‌کند: وقوع طلاق دلایل مختلفی دارد. از جمله اینکه سایه سنت کم شده است و انتخاب همسر بر اساس عشق و علاقه صرف و نه بر اساس معیارهای عقلانی و با توجه به شاخص‌های فرهنگی، رفتاری، خانوادگی و اقتصادی صورت می‌گیرد، متأسفانه این عشق و علاقه بعد از مدتی کم رنگ شده و عدم هماهنگی شاخص‌ها پر رنگ‌تر می‌شود و همین باعث بروز مشکل می‌شود. از طرف دیگر خانم‌ها از لحاظ اقتصادی به استقلال رسیده‌اند و می‌توانند خود را از لحاظ اقتصادی مدیریت کنند، بنابراین اگر در گذشته خانم‌ها به دلیل مسائل مالی و اقتصادی به زندگی خود ادامه می‌دادند و وابستگی اقتصادی یکی از دلایلی بود که باعث می‌شد زندگی مشترک به هر صورتی تداوم پیدا کند، اکنون استقلال مالی خانم‌ها باعث شده در مورد مسائل اقتصادی بعد از طلاق نگرانی نداشته باشند.

معدنی به تاثیر رسانه های جهانی اشاره می‌کند و می‌گوید: جوامع غربی از مذهب عبور کرده اند و اجتماع برای آن ها مهم‌تر است، این امر در فیلم‌هایی که تهیه می‌کنند نیز بروز پیدا کرده و طلاق امری عادی جلوه داده می‌شود، تماشای این جدایی‌ها توسط جوانان ما در فرهنگمان بی تاثیر نیست. از طرف دیگر در قدیم تعداد فرزندان یک خانواده زیاد بود و همین تعداد بالای فرزند ناخودآگاه باعث استحکام زندگی می‌شد.

قبیح طلاق در جامعه ریخته است

وی بر اینکه قبیح طلاق در جامعه ریخته شده است تاکید می‌کند و می‌گوید: هنگامی که در پیرامونمان طلاق افزایش پیدا می‌کند دیگر طلاق برایمان زشت نیست و خود به خود این مجوز را به ما میدهد که طلاق را راحت تر بپذیریم.

این جامعه شناس ادامه می‌دهد: مصداق این امر که طلاق به راحتی پذیرفته می‌شود را می‌توان در این مشاهده کرد که در زمان گذشته اگر دختری طلاق می‌گرفت و به خانه پدری‌اش بازمی‌گشت دید همه اعضای خانواده نسبت به این دختر تغییر می‌کرد و دختر را مانند گذشته نمی‌پذیرفتند، در صورتی که اگر این دختر تا چهل سالگی هم ازدواج نمی‌کرد و در خانه پدری می‌ماند چنین نگاهی به وی نمیشد اما اکنون وقتی دختر بر می‌گردد مشکل قبل برطرف شده و دختر همچنان جایگاه قبلی خود را دارد.

ضرورت بررسی عوامل تاثیرگذار در طلاق

معدنی در ادامه در مورد راهکارهای کاهش طلاق توضیح می‌دهد: برای کاهش میزان طلاق باید بررسی کرد چه عواملی باعث بروز طلاق می‌شود و تاثیرگذاری عواملی مانند فاصله طبقاتی، تفاوت فرهنگی، مسائل اقتصادی و... چقدر است، سپس شاخص سازی کرده و بررسی شود کدام شاخص دارای بیشترین سهم است تا همان شاخص تصحیح شود.

بیشترین درخواست طلاق در جامعه از سوی خانمها است

همچنین امیرمحمود حریرچی، جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی به بررسی آسیب‌های بعد از طلاق می‌پردازد و عقیده دارد با وجود اینکه بیشترین درخواست طلاق در جامعه از سوی خانمها است، اکثر آن‌ها قبل از یک سالگی از جدایی رخ داده پشیمان می‌شوند، زیرا زنان در بحث طلاق آسیب بیشتری می‌بینند.

این جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی بر اینکه از آسیب‌های اجتماعی که در جامعه ما دارای روند سریع بوده، بحث طلاق است تاکید می‌کند و به خبرنگار شفقنا زندگی می‌گوید: طلاق دارای ابعاد مختلفی از جمله سن طلاق، مدت زمان زندگی زوج در کنار یکدیگر قبل از طلاق، دلایل طلاق و... است که متأسفانه یکی از ابعاد مهم که در جامعه شاهد آن هستیم زمان کوتاه زندگی مشترک است.

حریرچی به تحقیقات انجام شده اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: برخی از تحقیقات نشان می‌دهد 70 درصد درخواست‌های طلاق و جدائی از سوی خانمها است و دلیل عمده آن اعتیاد و روابط غیر رضایت‌مندانه زناشویی است. از طرف دیگر طبق بررسی‌های موجود، اکثر آن‌ها قبل از یک سالگی از جدایی رخ داده پشیمان می‌شوند.

وی در مورد دلایل پشیمانی خانمها از طلاق توضیح می‌دهد: با وجود اینکه اکثر خانمها در جامعه کنونی از نظر مادی مستقل شده‌اند اما باید گفت خانمی که در کشور ما طلاق گرفته است تامین مادی نداشته و حمایت مالی و اقتصادی نمی‌شود. از طرف دیگر نگرشی که نسبت به او وجود دارد یک نگرش منفی بوده و دائماً مورد سرکوفت قرار می‌گیرند و به دلیل نگرش‌های موجود احتمال این که مجدداً ازدواج کند بسیار کم است. این در حالی است که مردی که طلاق گرفته در جامعه پذیرفته‌تر بوده و نه تنها دارای استقلال مالی است بلکه امکان اینکه مجدداً ازدواج کند بیشتر است.

اکثر خانمها پس از طلاق دچار فشار روانی شدید و افسردگی می‌شوند

این جامعه شناس ادامه می‌دهد: اکثر خانمها پس از طلاق دچار فشار روانی شدید و افسردگی می‌شوند، زیرا علاوه بر موارد ذکر شده دائم این فکر را با خود می‌کنند که انتخاب آن‌ها درست نبوده است و برای این موضوع خود را سرزنش می‌کنند. از طرف دیگر خانم حق خود می‌داند از زندگی همراهانه و همدلانه برخوردار باشد اما هنگامی که متوجه می‌شود انتخابی که انجام می‌دهد انتخاب درستی نیست، در طول زندگی صدمه زیادی می‌بیند. اگر خانمی با این شرایط همچنان به زندگی مشترک ادامه دهد، طلاق عاطفی رخ می‌دهد که می‌تواند زمینه ساز طلاق رسمی باشد.

حریرچی به زندگی بعد از طلاق خانمها اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر خانم بعد از طلاق بخواهد زندگی مستقلی داشته باشد مسلماً با حرف و حدیث‌های زیادی رو به رو می‌شود و اگر بخواهد به نزد خانواده برگردد ممکن است مورد سرکوفت خانواده قرار بگیرد. البته این سرکوفت ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد که عمده‌ترین دلیل آن در این دوره و زمانه این است که دختر پس از طلاق سربار خانواده محسوب می‌شود. در واقع اگر دختر در زمان‌های گذشته طلاق می‌گرفت و به خانه برمی‌گشت دید خوبی نسبت به او وجود نداشت و مایه ننگ و خجالت محسوب می‌شد، اما اکنون به عنوان یک سربار به دختر نگاه می‌شود.

حقوق خاصی برای فرزندان طلاق در نظر گرفته نشده است

وی در ادامه به فرزندان طلاق اشاره می‌کند و عقیده دارد: همانطور که جامعه ما برای زنان بعد از جدایی حقوقی شناخته نمی‌شود، حقوق خاصی هم برای فرزندان طلاق در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل فرزندان طلاق افرادی هم شدیداً پتانسیل آسیب پذیری و آسیب رسانی دارند. برای مثال در کشور کانادا، هنگامی که زن و مرد از یکدیگر طلاق می‌گیرند دادگاه شرایط را بررسی کرده و در مورد اینکه چه کسی باید از فرزند نگه داری کند تصمیم می‌گیرد و والد دیگر را ملزم می‌کند که حتماً به دیدن فرزند یا فرزندان برود زیرا عقیده دارد این حق فرزند بوده و فرزندگی که تک والدی بزرگ شود دچار مشکل می‌شود. اما دادگاه‌های ما معمولاً حضانت را حق پدر می‌داند و عقیده دارد اگر پدر شرایط را نداشت پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری باید حضانت را به عهده بگیرند.

خانواده‌ها باید فرصتی ایجاد کنند که زوجین انتخاب درست داشته باشند

این آسیب شناس اجتماعی در پایان تاکید می‌کند: برای کاهش طلاق و یا کاهش آسیب‌های پس از آن، خانواده‌ها باید فرصتی

ایجاد کنند که زوجین انتخاب درست داشته باشند، متأسفانه بسیاری از ازدواج‌های نادرست، مخصوصاً از جانب دخترها به دلیل شرایط نامناسب خانه مخصوصاً از نظر عاطفی است. از طرف دیگر قانون حمایت از خانواده در کشور باید شکل درستی به خود بگیرد که حقوق زن، حقوق کودک و حقوق مرد از بین نرود.